

## بیمه عمر وعدم رابطه آن با ارث و وصیت

نویسنده: مرتضی محمد حسینی طرّقی

از اصول مسلم پذیرفته شده در نظامهای حقوقی جهان، "اصل نسبی بودن قراردادها" (Privity of contract) است که براساس مفاد آن، هیچ کس نمی تواند بدون موافقت شخص ثالث به ضرر وحتی به نفع اوتعهدی ایجاد نماید.

باوجود توجیه عقلی، منطقی، وعرفی این قاعده؛ در قانون مدنی هم این اصل درموادی مانند 196 و 231 پذیرفته شده است. این ماده مقرر می کند: معاملات و عقود فقط در باره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آنها موثر است مگر در مورد ماده 196. اما موضوع به همین جا ختم نمی شود. بلکه نیاز های روز افزون جامعه که ناشی از پیشرفت و توسعه اجتماعی و صنعتی و مآلاً روابط اقتصادی و اجتماعی پیچیده بشر امروز است موجب می شود براین قاعده قدیمی، استثنائاتی هم وارد گردد که با استعانت از آنها، برخی از احتیاجات و مشکلات حقوقی افراد جامعه رفع می شود.

یکی از مستثنیات وارده به اصل نسبی بودن قراردادها، بیمه عمر است. در قانون بیمه مصوب 7/2/1316، مواد 27 و 35 (مجموعه قوانین سال 1316، صفحه 5 به بعد) به بیمه عمر پرداخته شده است.

قطع نظر از انواع بیمه عمر، هدف بیمه گذار از این بیمه، معمولاً معنوی، دور اندیشی و تامین آتیه اعضای خانواده است؛ به این ترتیب که فرد بیمه عمر می شود تا آینده شخص ثالثی (که از خانواده او یا دیگری است) را تامین نماید و در صورت فوت او، استفاده کننده از سرمایه بیمه عمر (شخص یا اشخاص ثالث)، از سرمایه بیمه عمر که از بیمه گر دریافت می کند، تاحدودی تامین و در رفاه باشد. امروزه دولتها نیز موجب شده اند تا این نهاد مفید، گسترش یابد و ورثه کارکنان (و یا افرادی که کارمند تعیین می نماید)، پس از فوت بیمه شده، مبلغ قابل توجهی از بیمه گر دریافت کنند؛ که برای مثال می توان به قانون بیمه عمر و حوادث پرسنل نیروهای مسلح وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای تابعه یا وابسته به آنها (مصوب سال 1335 و اصلاحات سال 1376) و یا تصویب نامه راجع به بیمه حادثه و فوت کلیه باز نشستگان و مستخدمان اعم از لشگری یا کشوری (مصوب 25/10/84 هیات وزیران) اشاره نمود.

از طرف دیگر، شرکتهای بیمه نیز یکی از اهداف تاسیس خود را ایجاد تامین و اطمینان مورد نیاز جامعه از طریق انجام و تعمیم انواع بیمه های بازرگانی مورد نیاز جامعه می دانند. (برای نمونه ماده 2 اساسنامه شرکت سهامی بیمه البرز-مصوب سال 1368) از جنبه شرعی بحث های فراوانی راجع به انواع بیمه مطرح شده است. ولی در هر حال قانون بیمه مورد ایراد شورای نگهبان قرار نگرفته و فقهای ما نیز معمولاً بیمه عمر را صحیح می دانند (مانند رهبر کبیر (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی به ترتیب در رساله توضیح المسائل و رساله اجوبه الاستفتائات).

از لحاظ قانونی، همان گونه که اشاره شد، این نوع بیمه از سالهای دور در نظام حقوقی ما پذیرفته شده و بیمه عمر نوعی عقد غیر معین است که می توان آنرا براساس اراده آزاد طرفین و در قالب ماده 10 قانون مدنی و حتی عقد صلح منعقد نمود.

در مورد اینکه سرمایه بیمه عمر که به شخص ثالث تعلق می گیرد، ذی نفع آن چه کسی است؟ ماده 24 قانون بیمه مقرر می کند: وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخته شود، به ورثه قانونی متوفی پرداخته می شود مگر اینکه در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد که در این صورت وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است. بدین ترتیب نتیجه می گیریم که سرمایه بیمه عمر پس از فوت بیمه گذار، متعلق به ورثه یا شخص ثالثی می باشد که در سند بیمه از او نام برده شده است. لذا این سرمایه ترکه متوفی به معنای خاص و ارث نیست که طبق ماده 862 و 940 به بعد قانون مدنی و قواعد مندرج در این قانون، تقسیم شود. بلکه، تاسیس حقوقی خاص و حقی است که طبق قانون بیمه، پس از فوت بیمه گذار بایستی به شخص یا اشخاص ثالثی که در بستن پیمان هیچ گونه نقشی نداشته اند، پرداخت گردد. (این افراد ممکن است ورثه یا غیر از آنان باشند).

بدین ترتیب سرمایه بیمه عمر، به نسبت مساوی بین صاحبان حق تقسیم می شود. مگر آنکه بیمه شده، به نحو دیگری در خواست و مقرر نموده باشد. زیرا فرض ماده 24 قانون بیمه، این است که وجه بیمه عمر، برای ورثه اختصاص داده شده است. مگر اینکه در سند بیمه قید دیگری شده باشد. به بیان دیگر، اگر در قرار داد بیمه عمر راجع به اینکه ذی نفع چه کسی است؛ سکوت وجود داشته باشد، ناگزیر سرمایه مزبور به ورثه قانونی بیمه شده (آنهم به نسبت مساوی) تقسیم می شود نه به نسبت قاعده ارث که دارای مقررات ویژه ای است و قابلیت شمول به غیر مورد ارث ندارد.

بحث دیگر این است که برابر ماده 25 قانون بیمه، بیمه گذار حق دارد ذی نفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد مگر آنکه به دیگری انتقال داده و بیمه نامه را هم به منتقل الیه تسلیم کرده باشد. بنا براین، بیمه گذار همواره می تواند ذی نفع معین در سند بیمه عمرش را تغییر دهد و فرد دیگری را به جای او قرار دهد. البته نباید این امر موجب شود، تاسیس حقوقی بیمه عمر با وصیت اشتباه گردد؛ چون طبق ماده 839 قانون مدنی (هم)، اگر موصی ثانیاً وصیتی بر خلاف وصیت اول نماید، وصیت دوم صحیح است. زیرا، احکام این دو با یکدیگر اختلاف دارد. مثل اینکه براساس ماده 843 قانون مدنی، وصیت به زیاده برثلث ترکه نافذ نیست مگر به اجازه وراث و اگر بعضی از ورثه

اجازه کند فقط نسبت به سهم او نافذ است. حال آنکه در بیمه عمر چنین قیدی وجود ندارد، وقانونا هیچ کس نمی تواند به تصمیم بیمه گذار مبنی بر اینکه ذی نفع چه کسی و سهم وی چه مقدار بوده است، اعتراض نماید. فلذا بیمه عمر با ارث یا وصیت، اگرچه ممکن است از جهت شکلی تشابهاتی داشته باشد. اما، ماهیتا اینها بایکدیگر تفاوت دارند وهریک دارای احکام جدا گانه و ویژه است.

---

این مطلب از پرتال اطلاع رسانی وکالت آنلاین چاپ شده است.

URL : <http://www.vekalatonline.ir/index.php?ToDo=ShowArticles&AID=5652>